



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

امتحانات پایان سال - خرداد ۱۳۹۰

بسمه تعالی

پاسخنامه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

نام کتاب: صرف ساده، بخش عربی

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

د ص ۲۰۵

۱. عبارت «مَا خُتِمَ بِوَاوٍ أَوْ يَاءٍ سَاكِنٍ مَا قَبْلَهُمَا» تعریف کدام اصطلاح است؟

- أ. منقوص ب. مقصور ج. ممدود د. شبه صحیح ■

ج ۲۱۱-۲۲۲

۲. در ثلاثی مزید، وزن کدام نوع از کلمات با بقیه فرق دارد؟

- أ. مصدر میمی ب. اسم مفعول ج. صفت مشبیه ■ د. اسم مکان

۳. کدام گزینه مصغر مرخم کلمه «مَحْمُود» است؟

- أ. حُمَيْد ■ ب. حُمَيْود ج. مُحَيِّد د. مُحَيِّمُود

۴. کدام مورد «صفت صرفی» محسوب نمی‌شود؟

- أ. المنسوب نحو «ایرانی». ب. المصغر نحو «رُجُلٌ»
ج. ما استعمل علماً نحو «مُحَمَّد» ■ د. المصدر عند قصد المبالغة نحو «زیدٌ عدلٌ»

تشریحی:

۱. أ. اعلال شده کلمات زیر را بنویسید.

ج: صیام ص ۲۰۷

- صَوَام (مصدر ثلاثی مجرد):

ج: مَرْمُوی ص ۲۰۷

- مَرْمُوی:

ب. در کلمه زیر چه قاعده‌ای از قواعد اعلال اجرا شده است؟ توضیح دهید.

جواب: هر گاه «واو» لام الفعل شود در صفتی بر وزن «فُعْلَى» قلب به «یا» می‌شود. ص ۲۰۷

- غُلُوی ← غُلُیًا:

* فلو كان المصدر الأصلي من الثلاثی المجرد علی «فَعْلَة» و من غیره مختوماً بتاء احتیج فی بیان المرّة بقید یفید ذلک نحو «رَحِمَتُهُ رَحْمَةً وَاحِدَةً»

۲. أ. عبارت را توضیح دهید. (ترجمه کافی نیست) ۲۱۳

جواب: اگر مصدر اصلی در فعلی از ثلاثی مجرد، همانند مصدر مره بر وزن «فَعْلَة» آمد برای تشخیص مصدر مره از آن، نیاز به قرینه‌ای داریم که مره بودن آن مصدر را مشخص کند؛ مانند قید «واحدة» در مثال «رَحِمَتُهُ رَحْمَةً وَاحِدَةً». همچنین اگر در آخر مصدر اصلی در غیر ثلاثی مجرد حرف «ة» بود، باز مشتبه به مصدر اصلی می‌شود و برای تشخیص مره از آن، نیازمند قید هستیم.

ب. نوع مصدر را در کلمات زیر مشخص کنید.

مَوْعِد: جواب: میمی ص ۲۱۰ صُغْرَوِيَّة: جواب: صناعی ص ۲۱۱

جُلُوس: جواب: اصلی ص ۲۰۸

ضَرْبَة: جواب: مره ص ۲۱۳

۳. أ. هر کدام از جملات زیر، تعریف چه اصطلاحی است؟

جواب: اسم تفضیل ص ۲۱۹

- کلمه تدلّ علی موصوف بزيادة وصفه علی غیره:

جواب: اسم جمع ص ۲۴۸

- ما دلّ علی أكثر من اثنين و لا مفرد له من لفظه:

ب. اسم مفعول «ذهب» و اسم آلت «نشر» را بسازید. ۲۲۳ و ۲۱۷

مَذْهُوبٌ بِهِ - مِثْرٌ، مِثَارٌ، مِثْرَةٌ (یکی کافی است)

۴. ا. اسم تفضیل در کدام یک از استعمالاتش، همیشه مفرد مذکر است؟ ۲۲۱-۲۲۰

۱. با «مَنْ» استعمال شود. ۲. به نکره اضافه شود.

ب. در هر یک از جملات «الله اعلم حیث يجعل رسالته» و «هو أهون عليه» افعال التفضیل در چه معنایی به کار رفته است؟

در مثال اول، اسم تفضیل در معنای اسم فاعل به کار رفته؛ یعنی «أَعْلَمُ» به معنای «عالم» است و در مثال دوم به معنای صفت مشبیه به کار رفته؛ یعنی «أَهْوَنُ» به معنای «هین» است.

* التاء المربوطة تفيد التأنيث الحقيقي في خمسة موارد.

۵. ضمن بیان مقصود از «تاء مربوطه» چهار مورد از موارد پنج گانه فوق را بنویسید. ۲۳۱

(مقصود تاء گرد است در مقابل مبسوطه) ۱. در اسم فاعل. ۲. در اسم مفعول. ۳. در اوزان سماعی صفت مشبیه و قیاسی آن در غیر ثلاثی مجرد. ۴. در اسم منسوب. ۵. در بعضی از اسمهای جامد (این مورد سماعی است).

۶. تفاوت اصطلاحات زیر را بنویسید. ۲۲۷ و ۲۴۸

أ. مؤنث لفظی و مؤنث معنوی: ج: مؤنث لفظی در آخرش یکی از علامت‌های تأنیث را دارد ولی مؤنث معنوی خالی از علامت تأنیث است.

ب. جمع الجمع و جمع منتهی الجموع: ج. اگر جمعی دوباره جمع بسته شود چه جمع مکسر چه جمع سالم، به آن «جمع الجمع» می‌گویند؛ ولی «جمع منتهی الجموع» به جمعی می‌گویند که دوباره به صورت جمع مکسر جمع بسته شود نه سالم.

* اوزان «فَعَالٌ»، «فَعَلَ» و «فَاعِلٌ» قد تدلّ على النسب من دون لحوق الياء بآخرها و ذلك إذا قصد منها صاحب الشيء نحو ... ۲۵۱

۷. ا. در قالب مثال توضیح دهید که «صیغ نسب» با چه شرطی بر نسبت دلالت می‌کند؟

اگر به معنای صاحب شیء باشند مانند «تَمَارٌ» به معنای «صاحب تمر» و «لَابِنٌ» به معنای «صاحب لبن» و «طَعِمٌ» به معنای «صاحب طعام» (یک مثال کافی است)

ب. مطلب بالا را بر آیه شریفه «و ما رَبِّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ» تطبیق دهید.

در این مثال، «ظَلَّامٌ» از صیغ نسبت است به معنای صاحب ظلم، یعنی خداوند صاحب ظلم به بندگان نیست (نه به این معنا که خداوند خیلی به بندگان ظلم نمی‌کند).

۸. موارد خواسته شده را بنویسید.

جمع سالم «عبدالله»	جمع مکسر «سَفَرَجَلٌ»	مصرف «أَكْلَبٌ»	مصدر صناعی «صحراء»
ذَوُو عَبْدِ اللَّهِ ص ۲۳۹	سَفَارِج ص ۲۴۵	أَكْلِب ص ۲۵۴	صحراوَت ص ۲۵۰ و ۲۱۱

۹. انواع تقدّم مرجع ضمیر (لفظی، تقدیری، معنوی، حکمی) را در عبارات زیر مشخص کنید. ۲۶۵-۲۶۴

أ. إعدّلوا هو أقرب للتقوى: ج. لفظی
ب. إنا أنزلناه في ليلة القدر: ج. معنوی
ج. ضرب غلامه زيد: ج. تقدیری
د. نعم رجلاً زيداً (ضمير مستتر) ج. حکمی